



... بازخوانی جدید ترین بیانات امام انقلاب، با دقتی بیشتر ...

n a f a h a t _ g r a p h i c

بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان

۲۷ آذرماه ۱۴۰۳

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصّلاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمّد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيّما بقية الله فى الارضين.

- تبریک عرض میکنم ایام ولادت حضرت صدّیقه‌ی طاهره (صلوات الله علیها) را و خوشحالم که بحمدالله این جلسه امسال هم تشکیل شد. و به نظر من، این جلسه یکی از جلسات بسیار خوب و استثنائی‌ای است که این در حسینیه تشکیل میشود؛ [جلسه‌ای با] این جمعیت عظیم از بانوان و دختران عزیز ما، با این احساسات پُرشور و با این بیانات بسیار خوبی که گویندگان محترم، سخنرانها، خانمها بیان کردند، حقّاً و انصافاً یک جلسه‌ی به یادماندنی است.
- مطالب خیلی خوبی گفته شد. من همین حالا به مسئولین دفترمان از همین جا سفارش میکنم — بخش بررسی دفتر — که مطالب این خانمها را مورد ملاحظه‌ی جدی قرار بدهند. بعضی از اینها کارهای خود ما است، مربوط به من یا دفتر ما است؛ بعضی‌ها، اکثر، مربوط به دستگاه‌های دولتی و امثال اینها است؛ آنچه مربوط به خود ما است انجام بگیرد، آنچه مربوط به دستگاه‌ها است تعقیب بشود.
- بحث «الگوی سوّم زن» که زن مسلمان انقلابی است، که در صحبتها بود؛ بحث مسئله‌ی خانواده در فضای مجازی، که بسیار دقیق و خوب بیان شد؛ بحث حلّ مسئله‌ی جمعیت از طریق نهاد خانواده که این خانم بیان کردند و روی مسئله‌ی جمعیت و مسئله‌ی افزایش باروری و ولادت و مانند اینها تکیه کردند — البته گفتند خودشان دو فرزند دارند، که کم است — بحثهای مربوط به هنر، بخصوص سینما و نمایشنامه‌های ایرانی که یک خانمی اینجا بیان کردند، مهم است؛ بحث تسهیل‌گری در امر ازدواج خیلی مهم است؛ واقعاً یکی از مشکلات کنونی ما همین است و این مطالبی هم که این دخترخانم بیان کردند، مطالب خیلی خوبی است. دنبال باید بشود این کارها؛ این مسائل مهم است. من خانم عائده‌ی سُرور را قبلاً هم اینجا دیده بودم؛ همان روزی بود که خبر شهادت فرزند دوشمن به ایشان رسیده بود. ما اینجا در حسینیه جلسه‌ای داشتیم، این خانم را اینجا دیدم. به ایشان تبریک میگویم این روحیه را و تسلیت میگویم فقدان فرزندانشان را.
- من چند مطلب را اینجا آماده کرده‌ام که تا هر مقداری که حالا وقت باشد ان شاء الله بگویم؛ چند جمله درباره‌ی حضرت صدّیقه‌ی کبری (سلام الله علیها)، بعد دو سه نکته درباره‌ی مسئله‌ی زن — که یک مسئله‌ی مهمّ امروز بشری و انسانی است در سرتاسر جهان — از نظر اسلام، بعد هم دو سه جمله راجع به آنچه امروز در منطقه میگذرد، عرض خواهم کرد.
- **درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)** آنچه من میتوانم عرض کنم، این است که این بزرگوار، این بانوی جوان از شگفتی‌های آفرینش است. اگر ابعاد وجودی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را انسان بتواند احصاء کند و ببیند، یقین میکند که این یک پدیده‌ی شگفت‌انگیزی است در آفرینش عالم؛ یک چنین موجودی [است]. دختر جوانی که در اوایل جوانی — یعنی ایشان طبق یک روایتی در هجده سالگی شهید شده‌اند، طبق یک روایت هم تا بیست سال و بیست و دو سال و مانند اینها هم گفته‌اند؛ به هر حال آنچه درباره‌ی این بزرگوار از طرف پیغمبر یا دیگران گفته شده، مربوط به یک دختر هفده هجده ساله است — از لحاظ معنوی و رتبه‌ی هویت ملکوتی و جبروتی به جایی برسد که خشم او موجب خشم خدا بشود، خشنودی او مایه‌ی خشنودی خدا بشود. این روایت را، هم شیعه نقل کرده، هم سنی‌ها نقل کرده‌اند؛ در روایت کتب شیعه این جور است که «إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُصْبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا»؛ این عبارت کتابهای ما است. در کتب اهل سنت، همین روایت خطاب پیغمبر به خود فاطمه‌ی زهرا است که پیغمبر به فاطمه فرمود: یا فاطمة! إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعُصْبِكَ وَ يَرْضَى لِرِضَاكَ؛ با خشنودی تو خدا خشنود میشود، با خشم تو خدا خشمگین میشود. خیلی چیز عجیبی است! این جور نیست که بگویم این بنده‌ی بلندمرتبه هر جایی که خدا خشمگین است او هم خشمگین میشود؛ نه، عکس قضیه است؛ هر جا او خشمگین بشود، خدا خشمگین میشود. عظمت را ببینید!

- در سختی‌ها، غمگسار پیغمبر؛
- در جهاد، همراه امیرالمؤمنین؛
- در عبادت، خیره‌کننده‌ی چشم فرشتگان؛
- در سیاست، سُراینده‌ی آن خطبه‌های فصیح و بلیغ و آتشین.

● در خطبه‌های فاطمه‌ی زهرا — چه آنچه در مسجد بیان کردند، در مقابل مهاجر و انصار، چه آنچه با زنان مدینه در میان گذاشتند — هم سیاست هست، هم معرفت هست، هم شکایت هست، هم منقبت [هست]؛ همه‌چیز — یک چیز فوق‌العاده‌ای است — آن هم در بهترین و عالی‌ترین الفاظ، شبیه خطبه‌های نهج‌البلاغه؛ تربیت‌کننده‌ی امام حسن، تربیت‌کننده‌ی حسین بن علی، تربیت‌کننده‌ی زینب؛ ببینید! این خصوصیات کنار هم که قرار می‌گیرد، حقاً و انصافاً یک شگفتی عظیم عالم وجود را به انسان نشان می‌دهد. **کودکی او الگو است، جوانی او الگو است، ازدواج او الگو است، سیره‌ی زندگی او الگو است؛ همه‌ی اینها برترین الگوهای هستند که نشان‌دهنده‌ی قلّه‌ی زن مسلمان محسوب میشوند؛ این قلّه است.** اسلام، زنان مسلمان را، [همه‌ی] زنان را به سمت این قلّه دعوت میکند؛ درست است که همه نمیتوانند برسند، **لکن میتوانند به آن سمت حرکت کنند.** ضمناً این، زیباترین و شیواترین و گویاترین سخن درباره‌ی الگوی زن مسلمان است که حالا این خانمها تعبیر کردند به «الگوی سۆم». فاطمه‌ی زهرا یک الگو است. این چند کلمه‌ای در مورد حضرت صدّیقه‌ی طاهره (سلام الله علیها).

● **و اما در مورد مسئله‌ی زن.** خب امروز در دنیا مسئله‌ی زنان از جنبه‌های مختلف مطرح است. هر مجموعه‌ای هر گوشه‌ای از دنیا با یک انگیزه‌ای، با یک جهت‌گیری‌ای درباره‌ی مسئله‌ی زن بحث میکنند و حرف می‌زنند.

○ در این مسئله‌ی زن هم، سرمایه‌داران عالم و سیاستمداران عالم — که همان سیاستمداران هم متکی به آن سرمایه‌دارانند — مثل همه‌ی مسائل سبک زندگی دخالت میکنند. امروز و دیروز، سیاستمداران عالم و سرمایه‌داران عالم — همانهایی که منشأ استعمار در دنیا بودند — در همه‌ی مسائل مربوط به سبک زندگی بشر دخالت میکنند؛ رسانه هم دارند — مؤثرترین رسانه‌های دنیا در اختیار آنها است — و زبان رسانه را هم بلدند. انگیزه‌ی آنها، انگیزه‌ی دخالت سرمایه‌داران عالم و استعمارگران در مسئله‌ی زن، یک نگاه نظری و فلسفی نیست. این جور نیست که آنها یک نظریه‌ی فلسفی‌ای در مورد زن دارند و میخواهند آن را ترویج کنند؛ نه، این نیست. یک احساس انسانی هم نیست؛ این جور نیست که اینها احساس میکنند که زن در مواردی در دنیا ضعیف واقع شده، میخواهند حمایت کنند، احساسات انسانی‌شان به جوش می‌آید؛ نه، این هم نیست. انجام یک وظیفه‌ی اجتماعی و مردمی هم نیست؛ اینها انگیزه‌ی دخالت سیاستمداران و سرمایه‌داران نیست. **انگیزه چیست؟ انگیزه، دست‌اندازی سیاسی و استعماری است.** وارد میشوند برای اینکه مقدمه‌ای باشد و پوششی باشد در جهت دست‌اندازی بیشتر، دخالت بیشتر، گسترش بیشتر منطقه‌ی نفوذ خودشان. این انگیزه‌ی در واقع جنایتکارانه را، انگیزه‌ی فسادانگیز را در زیر یک ظاهر فلسفی، در زیر یک ظاهر نظری، در زیر یک ظاهر انسان‌دوستانه پنهان میکنند. این، بی‌صدافتی غربی‌ها است؛ بی‌صدافتی سرمایه‌داران غربی است که امروز بر دنیا مسلطند. این بی‌صدافتی، در قضایای مختلف دیده شده؛ همین بی‌صدافتی را، این دروغ‌گویی را، این ریاکاری را ما در مسائل گوناگونی، در عملکرد فعالان سیاسی و اقتصادی غربی دیده‌ایم.

○ یک نمونه‌اش [اینکه] در حدود یک قرن پیش، مثلاً بحث آزادی زن و استقلال مالی زن را مطرح کردند، که زن استقلال مالی داشته باشد یا آزادی داشته باشد؛ ظاهر خوبی داشت اما باطنش چه بود؟ باطنش این بود که کارخانجاتشان احتیاج به کارگر داشت، کارگر مرد کافی نبود، میخواستند زنها را برای کارگری بیاورند، آن هم با دستمزد کمتر از مردان؛ این باطن قضیه بود. این بیشتر در اروپا و در مجموعه‌های غربی شکل گرفت؛ این فقط مخصوص آمریکا هم نبود. این را در

زیر یک ظاهر و یک پوشش انسان‌دوستانه‌ای پنهان کردند، به عنوان اینکه زن استقلال مالی داشته باشد، آزادی داشته باشد، بتواند از خانه بیرون بیاید، بتواند کار کند؛ یعنی این بی‌صدافتی را آنجا هم بشریت دید.

○ یک نمونه‌ی دیگر که البته ربطی به مسئله‌ی زن ندارد، مسئله‌ی آزادی بردگان در آمریکا است؛ در اواخر قرن نوزدهم — در حدود ۱۸۶۰ — آمریکایی‌ها [توسط] آبراهام لینکلن که آن وقت رئیس‌جمهور آمریکا و از حزب جمهوری‌خواه بود، شعار آزادی بردگان را دادند؛ ظاهر قضیه این بود که بردگان باید آزاد بشوند — کمک هم میکردند و بردگان را از جنوب به صورت قاچاق میبردند به طرف شمال آمریکا [چون] بین شمال و جنوب جنگ بود — اما باطن قضیه این نبود؛ باطن قضیه این بود که جنوبی‌ها در کار کشاورزی بر کار مسلط بودند، [آنجا] زمینهای کشاورزی بود و بردگان در این زمینها به صورت مجانی کار میکردند؛ برده بودند، با [حقوق] بخور و نمیر. شمالی‌ها تازه به صنعت دست پیدا کرده بودند و احتیاج به کارگر داشتند؛ کارگر به اندازه‌ی لازم وجود نداشت، مایل بودند از این بردگان به عنوان کارگر در کارخانه‌شان استفاده کنند؛ راهش این بود که بگویند شماها آزادید، بیایید اینجا در کارخانه کار کنید! در واقع، از بردگی کشاورزی و مزرعه، آنها را به بردگی کارخانه کشاندند؛ باطن قضیه این بود. این بی‌صدافتی غربی‌ها است.

○ امروز هم همین جور است. در این جنگالهای موجود دنیا در زمینه‌ی زن، مسئله‌ی فمینیسم، مسئله‌ی حقوق زن، مسئله‌ی آزادی زنان و حقوق زنان، ظواهر کار است؛ پشت اینها سیاستهایی هست، انگیزه‌های ناسالمی وجود دارد. حالا [اینکه] آن انگیزه‌ها چیست، بعضی‌اش را امروز ما میدانیم، بعضی را هم بعداً خواهیم دانست، بعداً کشف خواهد شد؛ لکن انگیزه، انگیزه‌ی انسانی و بشری نیست. این بی‌صدافتی، امروز هم وجود دارد. انگیزه‌ها صرفاً سیاسی است، صرفاً استعماری است، وسیله‌ی نفوذ است که البته حالا بحث در این باره مربوط به این جلسه‌ی کنونی ما نیست.

● خب حالا ما در قبال یک چنین وضعیتی در دنیا هستیم که کسانی درباره‌ی مسئله‌ی مهم «زن» بحث میکنند، ولی صداقت ندارند در این بحث. ما به عنوان مسلمان، درباره‌ی مسئله‌ی «زن» میخواهیم حرف بزنیم، بحث کنیم، منطق ارائه بدهیم، بین خودمان آن منطق را جا بیندازیم و بر طبق آن منطق عمل کنیم. این وظیفه‌ی ما است و امروز باید این کار انجام بگیرد؛ البته از اول انقلاب باید انجام میگرفته و مبالغ زیادی هم کار شده، لکن کار را باید تمام کرد، باید کامل کرد. من چند نکته را در این زمینه عرض میکنم.

○ اگر ما بخواهیم یک منشوری از دیدگاه اسلام درباره‌ی زن تنظیم بکنیم که موادی داشته باشد این منشور، به گمان من،

اولین موضوعی که در این منشور باید بیاید مسئله‌ی «زوجیت» است. یعنی چه؟ یعنی زن و مرد زوجند، مکمل

یکدیگرند، زن و مرد برای هم خلق شده‌اند. این در قرآن بصراحت بیان شده: **وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا؛** این خطاب «جَعَلَ لَكُم» — برای شما قرار داد — خطاب به مردها نیست، خطاب به بشر است؛ زن و مرد. **وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا؛** ای افراد بشر! خدا از جنس خود شما برای شما زوج قرار داده است. حالا «زوج» فقط به مرد گفته نمیشود؛ در قرآن، کلمه‌ی «زوج»، هم برای مرد به کار رفته، هم برای زن. من آیه‌اش را هم یادداشت کرده‌ام؛ [آیه‌ای] که «زوج» درباره‌ی «زن» به کار رفته: **يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ؛** زوج، اینجا درباره‌ی همسر زن هست؛ فرد زن. در یک جای دیگری [میفرماید]: **«قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا»؛** اینجا «زوج» درباره‌ی «مرد» به کار رفته. بنابراین، از جنس شما، زوج برای شما آفریدیم. البته این مخصوص بشر هم نیست. این را هم من در حاشیه‌ی بحث بگویم که البته باید اهلش این را دنبال کنند.

■ در اسلام، بنا بر نظریه‌ی اسلام، بنای عالم خلقت و تاریخ بشر و تاریخ عالم بر تلائم و ازدواج و پیوند است؛ درست نقطه‌ی مقابل آنچه در دیالکتیک هِگِل و مارکس و مانند اینها وجود دارد که بنای عالم را بر تضاد میدانند. آنها میگویند شیئی به وجود می‌آید، ضد او به وجود می‌آید، از این تضاد یک شیء سومی به وجود می‌آید

که باز برای آن هم ضدی به وجود می‌آید تا آخر؛ تاریخ این جوری پیش می‌رود. **اسلام می‌گوید نه، شیئی به وجود می‌آید، شیئی برای همراهی و ائتلاف با او به وجود می‌آید که از همراهی این دو، از ائتلاف این دو، از زوجیت این دو، شیء سوّمی به وجود می‌آید؛ تاریخ این جوری پیش می‌رود.** که البته عرض کردم این را بایستی اهلش فکر کنند، دنبالش کنند، سر رشته‌ای را بگیرند و پیش بروند ببینند به کجا می‌رسند؛ مسئله‌ی مهمی است.

▪ خب پس در مورد انسان خدای متعال زن و مرد را زوج آفریده؛ یعنی مکمل یکدیگر. معنای زوجیت، لازمه‌ی زوجیت این است که یک واحد تشکیل بشود، وّالّا زوجی نیست. دو واحد اگر چنانچه در کنار هم قرار گرفتند، با هم متحد و مؤتلف شدند، یک واحد سوّم به وجود می‌آید که آن عبارت است از خانواده؛ یعنی مسئله‌ی خانواده این جور مبنای فکری اسلامی دارد. **خانواده یک سنت الهی است، یک سنت آفرینش است.** اینکه مرد و زنی با هم سلام‌علیک کنند یا بیش از سلام‌علیک، از کنار هم عبور کنند، این، زوجیت نیست. زوجیت یعنی تشکیل یک واحد سوّم؛ تشکیل خانواده؛ این معنای زوجیت است. البته روی خانواده، هم در اسلام تکیه شده، خوشبختانه در ایران هم خانواده‌ی سنتی ایرانی یکی از نشانه‌های مهمّ قوّت و عمق فرهنگی ملت ایران است. **خب پس بنابراین اولین ماده‌ی منشور اسلامی عبارت است از مسئله‌ی تشکیل خانواده، مسئله‌ی زوجیت، مسئله‌ی مکمل هم بودن زن و مرد که مکمل هم هستند.**

○ موضوع دوّم این است که **این زوج، این دو فرد برای رسیدن به حیات طیّبه** — که رسیدن به «حیات طیّبه» هدف آفرینش انسان است — **این زن و مرد هیچ تفاوتی با هم ندارند؛** هیچ کدام از دیگری برتر نیست. البته انسانها یک جور نیستند؛ در بین زنها، در بین مردها بعضی توانایی‌های بیشتری دارند، بعضی [از نظر توانایی] کمترند، اما بین زن و مرد، به عنوان زن و به عنوان مرد، هیچ تفاوتی در رسیدن به حیات طیّبه وجود ندارد؛ این هم در قرآن هست: **مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً؛** زن و مرد اگر عمل صالح کنند، ایمان داشته باشند، یکسانند؛ این در سوره‌ی نحل است. یا در آن آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی احزاب که من چند بار دیگر در جمع خانمها این آیه را خوانده‌ام: **«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ»** — ده خصوصیت بین زن و مرد است — در حرکت معنوی به سمت خدا، به سمت حیات طیّبه، به سمت تعالی انسانی در عوالم ملکوت و عوالم معنوی روحانی توحیدی بالا هیچ تفاوتی وجود ندارد؛ این هم یک اصل دیگری از اصولی که در این منشور باید گنجانده بشود.

○ موضوع بعدی این است که **با اینکه در ظاهر زن و مرد از لحاظ جسمی تفاوت وجود دارد** — این قدش بلندتر است، صدایش کلفت‌تر است — **اما از لحاظ توانایی‌های فکری و روحی در هر دو جنس استعدادها بی‌نهایت وجود دارد و تفاوتی با همدیگر ندارند.** یعنی در علم، زن و مرد هر دو میتوانند مسابقه بدهند؛ این جور نیست که مردها عالِم‌تر از زنها باشند؛ نه، زنها بزرگی، والایی، دارای مقامات برجسته‌ای از لحاظ علمی در تاریخ بوده‌اند؛ امروز البته صدها برابر بیشتر، هم در دانشگاه، هم در حوزه وجود دارند. از لحاظ علم، از لحاظ هنر، از لحاظ نوآوری‌های فکری و عملی، از لحاظ اثرگذاری اجتماعی و فکری و سیاسی، از لحاظ فعالیتهای اقتصادی این توانایی‌ها در هر دو جنس — در زن و در مرد — وجود دارد. پس بنابراین زن میتواند و در مواردی میباید در این عرصه‌ها ورود کند؛ میتواند وارد این

عرصه‌ها بشود، در یک جاهایی هم لازم و واجب است که در این عرصه‌ها وارد بشود؛ در سیاست، در اقتصاد، در مسائل بین‌المللی، در مسائل علمی، در مسائل فرهنگی و هنری، در همه‌جا. این هم یک موضوع که در منشور اسلامی مربوط به زن این معنا قطعاً وجود دارد.

○ موضوع بعدی این است که زن و مرد در محیط خانواده، نقشهای متفاوتی دارند؛ این دلیل برتری نیست.

مثلاً هزینه‌ی خانواده، به عهده‌ی مرد است؛ [این] دلیل برتری نمیشود. فرزندآوری، به عهده‌ی زن است؛ این دلیل برتری نمیشود. اینها هر کدام یک امتیاز است؛ یک امتیازی است که [زن و مرد] دارند. حقوق زن و مرد بر این پایه‌ها محاسبه نمیشود؛ حقوق یکسانی دارند. این هم در قرآن هست: *وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ*. حقوق زن و مرد در خانواده یکسان است؛ یعنی اگر از لحاظ حقوقی به خانواده نگاه کنیم، دو فردی که از لحاظ حقوقی یکسان هستند دارند با هم زندگی میکنند، یکدیگر را تکمیل میکنند. البته زن از لحاظ عاطفی، یک خصوصیتی دارد؛ پیغمبر در مورد زنان فرمود: *الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ* در داخل خانه، به زن مثل گل باید نگاه کرد. از گل باید مراقبت کرد، از طراوت او، از بوی خوش او فضا را باید معطر کرد و استفاده کرد؛ این از لحاظ عاطفی است [اما] از لحاظ حقوق یکسانند. این هم یک نقطه در این منشور.

○ یک نقطه‌ی دیگر در این منشور این است که زن و مرد از لحاظ ارتباطات معاشرتی، محدودیتهایی دارند؛

این جزو خصوصیتی است که اسلام روی آن تکیه دارد. البته این بی‌بندوباری‌هایی هم که امروز در غرب وجود دارد، همیشه نبوده؛ اینها مال [عصر] جدید است؛ شاید دو قرن پیش، سه قرن پیش. انسان وقتی میخواند بعضی از کتابها را، بعضی از رمان‌های مربوط به قرن ۱۸ را، قرن ۱۹ را و توصیف زن اروپایی را انسان آنجا مشاهده میکند، مبیند ملاحظات زیادی وجود داشته که امروز آن ملاحظات در بین غربی‌ها نیست. اسلام روی این ملاحظات تکیه دارد؛ اسلام روی مسئله‌ی حجاب، مسئله‌ی عفاف، مسئله‌ی نگاه تکیه دارد. این هم یکی از خصوصیتی است که در این منشور باید بیاید.

○ یک مسئله‌ی بسیار مهم، ارزش معنوی «مادری» است. مادری افتخار است. امروز من مبینم بعضی‌ها به تبع

همان سیاستهایی که اشاره کردم — [یعنی] سیاستهای سرمایه‌داران و استعمارگران و بدخواهان جوامع مستقل، بخصوص جامعه‌ی ما — «مادری» را بد تصویر میکنند؛ اگر کسی بگوید فرزندآوری برای خانواده‌ها لازم است، طعنه میزنند، مسخره میکنند که «شما زن را برای بچه میخواهید، برای فرزندآوری میخواهید». مادری یک افتخار است؛ اینکه شما یک موجود انسانی را با زحمت زیاد، چه در درون خودتان، چه در بیرون، در اوایل زندگی‌اش پرورش بدهید، زحماتش را تحمل کنید، او را به عنوان یک انسان پرورش بدهید، افتخار کوچکی است؟ این خیلی بااهمیت است، خیلی باارزش است. برای همین هم هست که در اسلام، روی «مادر» تکیه شده.

■ از پیغمبر سؤال میشود «مَنْ أَبَرَّ؟»؛ یک نفری آمده سؤال میکند: به چه کسی خوبی کنم، نیکی کنم، ترجیح دارد؟

فرمود «أُمُّكَ»؛ به مادرت. گفت «ثُمَّ؟»؛ بعدش به چه کسی؟ باز فرمود به مادرت. دفعه‌ی سوم پرسید بعد به چه کسی؟ حضرت فرمود به مادرت. سه بار گفت به مادرت! گفت بعد به چه کسی؟ گفت بعد به پدرت؛ یعنی پدر مرتبه‌ی چهارم است. یا یک نفر آمده بود میخواست برود جهاد — [البته] نیرو به قدر کافی وجود داشته در این داستان و در این قضیه — گفت مادرم راضی نیست، فرمودند خدمتِ مادرت را بکن، ثوابش از آن جهاد بیشتر است. البته عرض کردم این وقتی است که مَنْ بِه الكفایه وجود داشته باشد. مسئله‌ی «مادری» این است.

■ اینکه در روایت دارد که «الْبَحْتَةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمّهَاتِ»، «تَحْتَ أَقْدَامِ» یک کنایه است، تعبیر کنایی است؛ «بهشت

زیر پای مادر است» یعنی دم دست مادر است. شما بهشت میخواهید، بروید سراغ مادر؛ او بهشت را به شما خواهد داد. به او محبت کنید، به او مهربانی کنید، به او خدمت کنید، از او اطاعت کنید، به او احترام کنید، او بهشت را به شما خواهد داد. این هم یک ماده است.

■ خب حالا اینها چند نکته راجع به مسئله‌ی «زن» و نگاه به زن در اسلام. البته این منشور را اگر کسی بخواند تهیه کند، شاید مثلاً سی مادّه یا چهل مادّه — مادّه‌های مهم — در این منشور وجود داشته باشد که من چند موردش را عرض کردم.

• ما در کشورمان، بر اساس این نگرش، خوشبختانه شاهد رشد زنان مؤمن و دانا و فعال، از اوّل انقلاب تا امروز بوده‌ایم. البته در اواخر سالهای مبارزات، یعنی آن ماه‌های آخر یا سال آخر، آنجا هم حضور زنان یک حضور تعیین کننده بود؛ لذا امام (رضوان الله علیه) به هیچ وجه کوتاه نیامدند. بعضی‌ها بودند که با حضور زنان در راهپیمایی مخالف بودند، امام بشدت رد میکردند این فکر را، این نگاه را، این نظر را. حضور زنان مؤثر بود؛ واقعاً مؤثر بود. زنها که وارد میدان شدند، مردها — حتی آن بی تفاوتها — احساس کردند که باید وارد میدان بشوند. زنها که وارد میدان شدند، همسرانشان و فرزندان جوانشان احساس کردند که وظیفه دارند وارد میدان بشوند. به یک معنا، انقلاب را زنها پیروز کردند.

• بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی هم، در بخشهای مختلف، زنها وارد میدان شدند. حالا مطالبی را این خانمها بیان کردند؛ مطالب، بسیار متین و دقیق و حاکی از فکر برجسته و پخته بود. یقیناً در بین این جمعیت صدها نفر یا بیشتر از این قبیل صاحبان فکر حضور دارند و در کشور قطعاً جمعیت زیادی از بانوان، در مراتب علمی، فکری، نوآوری، ابتکار، اجتهاد درخشانند؛ یعنی واقعاً کار شده. **زن ایرانی توانست از هویت کشور، فرهنگ کشور صیانت کند؛ توانست از سنت‌های تاریخی و اصیل کشور صیانت کند؛ با متانت خودش، با حیای خودش، با عفتی که به خرج داد.** در دانشگاه وارد شد، در فعالیتهای سیاسی وارد شد، در فعالیتهای بین‌المللی وارد شد، اما فاسد نشد؛ [این] خیلی مهم است. تحت تأثیر عوارضی که ما می‌بینیم امروز در بسیاری از کشورهای غربی، زنها دچار آن عوارضند، قرار نگرفت و به آن عوارض دچار نشد. زن ایرانی تا امروز این جور حرکت کرده، بعد از این هم ان شاء الله به همین ترتیب حرکت خواهد کرد. در حوادث بزرگ، زنان ما درخشیدند؛ در جنگ درخشیدند، در دفاع از حرم درخشیدند، در مبارزات سیاسی درخشیدند، در مراکز تحقیقاتی درخشیدند؛ در دانشگاه‌ها همین‌طور، در حوزه‌ها همین‌جور. آن وقت‌ها که در حوزه‌ی علمیّه بودیم، یاد نمی‌آید که زنی به مرتبه‌ی اجتهاد فقهی رسیده باشد، [اما] امروز خوشبختانه زنهایی که مجتهدند، به اجتهاد فقهی رسیده‌اند کم نیستند.

○ بنده حتی معتقدم بسیاری از مسائل زنانه که موضوعش زنان هستند و مردها درست موضوع را تشخیص نمیدهند، باید خانمها از مجتهد زن تقلید کنند. بنابراین در دوران انقلاب، پیشرفت بانوان در کشور ما، پیشرفت بسیار خوبی است. ما این‌همه دانشمند زن، هیچ وقت نداشتیم؛ این‌همه استاد دانشگاه زن، هیچ وقت نداشتیم؛ این‌همه شاعر زن، این‌همه نویسنده‌ی زن، این‌همه هنرمند زن، آن هم با تدین، هیچ وقت نداشتیم. امروز خوشبختانه همه‌ی اینها را داریم؛ منتها توجه کنیم که دشمن هم بیکار نیست، دشمن هم مشغول طراحي است.

• دشمنان نظام جمهوری اسلامی خیلی زود فهمیدند که با شیوه‌های سخت‌افزاری نمیشود انقلاب را شکست داد؛ رفتند سراغ شیوه‌های نرم‌افزاری. فهمیدند که با جنگ و بمباران و نیروهای فتنه‌گر و قومیت‌گرایی و مانند این چیزها ایران اسلامی را نمیتوانند از پا دریاورند، نمیتوانند به زانو دریاورند، رفتند سراغ شیوه‌های نرم. شیوه‌های نرم، تبلیغات است، وسوسه‌ها است، بی‌صداتی‌هایی است که در شعارهایشان وجود دارد که انسان مشاهده میکند: اسم میگذارند، نام میگذارند به عنوان دفاع از زن، به عنوان دفاع از جامعه‌ی زنان، به عنوان دفاع از یک گروه زن، به عنوان دفاع از یک زن؛ به عنوان دفاع از یک کشور اغتشاش راه می‌اندازند. از شیوه‌های نرم‌افزاری استفاده میکنند. دختران ما، بانوان ما، اساتید ما، دانشجویان ما، همه‌ی جامعه‌ی زنان بایستی در این زمینه خودشان را موظف بدانند. یکی از خانمها الان اینجا گفتند: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ، مخصوص مردها نیست؛ شامل زنها هم میشود»؛ کاملاً درست است. یکی از امور مسلمین که باید به آن اهتمام ورزید، عبارت است از همین

وسوسه‌ها و تدابیر مودیان و شیوه‌های دشمنی روشهای نرم و جنگ نرم برای انحراف از ارزشها در بسیاری از مسائل و عمدتاً مسائل مربوط به بانوان و زنان، که این را متوجّه باشید. این هم چند جمله راجع به زن.

- **یک کلمه راجع به مسئله‌ی منطقه بگوییم.** در منطقه با این حرکتی که در سوریه انجام گرفت و با جنایتهایی که رژیم صهیونیستی دارد انجام میدهد و جنایتهایی که آمریکا دارد انجام میدهد و کمکهایی که بعضی دیگر به اینها میکنند، خیال کردند که قضیه‌ی مقاومت تمام شد؛ **اینها سخت در اشتباهند.** روح سیدحسن نصرالله زنده است، روح سنوار زنده است؛ شهادت، اینها را از عرصه‌ی وجود بیرون نبرد؛ جسم اینها رفت، روحشان باقی است، فکرشان باقی است، راهشان ادامه دارد. شما ببینید روزانه به غزه دارد حمله میشود و شهید میگیرند، روزانه! باز هم ایستاده‌اند، باز هم مقاومت میکنند؛ لبنان مقاومت میکند. البته رژیم صهیونیستی به خیال خودش دارد خودش را از طریق سوریه آماده میکند که نیروهای حزب‌الله را به خیال خود محاصره کند و ریشه‌کن کند، **اما آن کسی که ریشه‌کن خواهد شد اسرائیل است.** ما در کنار مبارزین فلسطین ایستاده‌ایم، در کنار مبارزان مجاهد فی‌سبیل‌الله حزب‌الله ایستاده‌ایم و از اینها حمایت میکنیم؛ هر چه بتوانیم به اینها کمک میکنیم؛ و امیدواریم ان‌شاءالله اینها ببینند آن روزی را که دشمن خبیثشان در زیر پاهای آنها لگدمال میشود.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

منبع: <https://farsi.khamenei.ir>